

افول تمثال همایونی

نقدی بر عکسهای دوره مشروطیت

دکتر رضا شیخ

کمتر ایرانی مطلع و آگاهی وجود دارد که با شنیدن کلمه مشروطیت تصویری بر جریده افکارش ظاهر نشود. چنین تصویری می‌تواند صورت یکی از مشاهیر این جنبش اجتماعی باشد، یا گروهی از مجاهدین و یا صحنه‌ای دلخراش از دار زدن بعضی بازیگران این تحول تاریخی. هرچه هست این تصاویر بخش مهمی از حافظه تاریخی ما ایرانیان از آن واقعه در تاریخ معاصرمان، می‌باشد. عکسهای دوره مشروطیت (۱۳۲۰-۱۳۳۰ ه.ق.) تمام وقایع مربوط به آن دوره را کاملاً ثبت نموده است. آنچه که در اینجا خواهد آمد نقدی بر این عکسهاست و محور اصلی بحث تصاویر بازیگران گمنام می‌باشد.

برای اولین بار دوربین عکاسی یک سال پس از اختراع آن در اروپا وارد دربار قاجار شد. تحت سرپرستی و حمایت ناصرالدین‌شاه این فن نوپا در داخل ارگ سلطنتی پرورش یافت و دارالفنون که در کنار آن قرار داشت، محل تربیت اکثر عکاسان آینده ایران گردید.^۱ بیشتر عکسهای دوره قاجاریه از نظر سبک از نوع پرتره (Portrait) می‌باشند. این عکسها را می‌توان حداقل از دو دید بررسی کرد:

۱. شناسایی اشخاص، محل عکس و واقعه مربوط؛
 ۲. فراتر از آن، نقد مضامینی که آن تصاویر القا می‌کنند.
- در اینجا ما از دید دوم به این عکسها نگاه می‌کنیم.

۱. دو دوربین عکاسی در زمان سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۵۶ ه.ق.) وارد ایران شد. یکی را ملکه ویکتوریا و دیگری را نیکولای اول به او هدیه کردند. پس از گذراندن یک دوره اولیه و آزمایش، عکاسی در زمان ناصرالدین‌شاه در دربار باب می‌شود. برای مروری بر سیر تحولات عکاسی در ایران رجوع شود به: یحیی ذکاء. تاریخ عکس و عکاسان پیشگام ایران، [تهران]، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

یک پرتره بر دو واقعیت استوار است. یکی واقعیت عینی است، آن چیزی که به چشم مشهود است و در چهارچوب عکس به سندی منقول می‌انجامد. واقعیت دیگر هویت است، که خود منتج از تصاویر ذهنی خویشتن از خویش (خودنگری - Self-image) و جه انسانی عکس است. در حقیقت پرتره چه در داخل استودیو و چه در خارج از آن یک نوع پردازش تصویری ایده‌آل از خود است و نقد پرتره در جست‌وجوی آن تصویر ذهنی است که آدمی به دنبال ثبت آن برای خویش و دیگری می‌باشد.

هویت شاه و نجبگان و انحصار عکس

سی سال اول عکاسی ایران (۱۲۷۰-۱۳۰۰ ه.ق.)، به عکاسی دربار اختصاص داشت. عکسها همه به شاهان و شاهزادگان و خانواده‌هایشان، همراه با قشر بسیار مرفه جامعه و عده‌ای از مستخدمان شاه، که آن هم به دستور خود شاه صورت گرفته بود، تعلق داشت. اینان همگی به تقلید از شاه و تحت‌تأثیر هویت نافذ او به ثبت تصاویری ایده‌آل از خویش، که با واقعیات کشور همخوانی نداشت، مشغول بودند.

اکثر شهرهای بزرگ ایران حدود سالهای ۱۳۰۰ ه.ق. به بعد دارای عکاسخانه عمومی شدند. لکن چون عکس گرفتن مستلزم هزینه‌ای گزاف بود علاوه بر افراد یاد شده تنها معدودی از مردم می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند، از جمله تجار و نجبگان. تحولات اجتماعی شهری تدریجاً منجر به افزایش نسبی این عده شده بود.^۲ برای اینان عکس گرفتن از خود نشانه‌ای از تجدد در آن برهه از زمان و ثبت هویتی مستقل از شاه بود. تصاویر ذهنی ایشان از خویش بر محوری کاملاً فردی استوار بود و به شعاع اطراف خود بسنده می‌شد. (عکس شماره ۶۰۰-۱ از همین مجموعه)

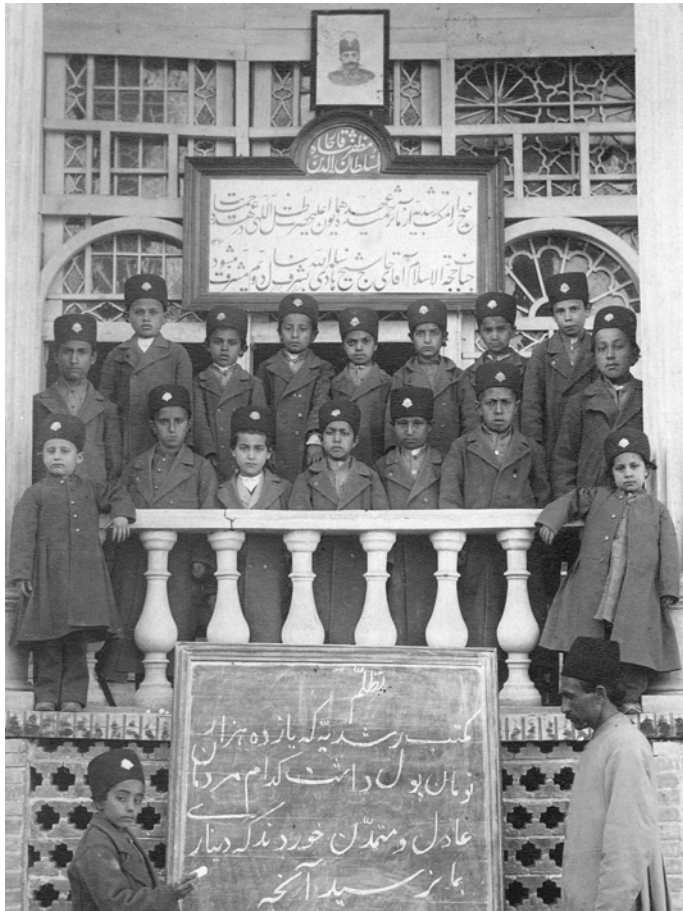
عکاسی استودیو توانست حلقه انحصار دربار را کمی باز کند. این امر تا پایان دوره قاجاریه به همین منوال ادامه داشت و عکاسی استودیو در اختیار طبقه مرفه جامعه که درصد بسیار کمی از کل مردم کشور بود باقی ماند.^۳

۲. برای تحولات شهری و اجتماعی تهران در دوره ناصری و آمار مربوط به این طبقه رجوع شود به مقاله: منصوره اتحادیه، «رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری ۱۳۳۰-۱۲۶۹ ه.ق»، در کتاب *اینجا طهران است...*، تهران؛ نشر تاریخ، ایران ۱۳۷۷.

۳. دوربین عکاسی تقریباً همزمان وارد جوامع ایرانی و اروپایی شد. اما به علت وجود طبقه متوسط گسترده‌ای در اروپا عکاسی در عرض ده سال تبدیل به صنعتی موفق در اروپا شد. عکاسخانه‌های عمومی و اشتیاق این طبقه به تصویرسازی از خود این موقعیت را به وجود آوردند. در ایران رونق عکاسخانه‌های عمومی در زمان پهلوی اول به دهه ۱۳۱۰ برمی‌گردد.

هویت گروه و مظاهر تجدد

در میان عکسهای پرتره قاجاریه عکسهایی وجود دارد که ما آن را عکسهای رسمی می‌نامیم. این عکسها با افتتاح مدارس جدید و انجمنها در اواخر دوره ناصری باب شد و پس از مشروطیت به علت گسترش فعالیت گروهی در لوای سناریوهای رسمی، تعداد چنین عکسهایی به طرز محسوسی افزایش یافت. تصاویر ذهنی اشخاص از خود در این عکسها تحت الشعاع چهارچوب گروهی با نام، مرام و هویت مفهوم شده‌ای قرار گرفته است. در این عکسها هیچ کجا هویت شاه مطرح نیست و اولین نشانه‌های تصویرسازی جامعه از خود می‌باشد که به ثبت مظاهر تمدن جدید و تجدد که حاصل فعالیتهای گروهی بود پرداخته است. (عکس شماره ۲۵۸-۴)



هویت شاه در برخورد با هویت نخبگان، بروز هویت توده پيرو

شاید بتوان گفت که ناصرالدین شاه خود برای اولین بار ماهیت سیاسی عکس را در ایران همراه با دستور عکسبرداری از زندانیان به زنجیر کشیده عنوان نموده است (عکس شماره ۹۵۳-۱).



[۹۵۳-۱]

آن عکاس هم که به هنگام عکس برداری از جسد به دار آویخته میرزا رضای کرمانی در میدان مشق سایه خود و دوربیش را چهارچوب عکس قرار داده، می دانسته که از

لحظه‌ای تاریخی عکس گرفته است و سایه‌اش را به منزله امضایش ثبت نموده است.^۴ چند سال بعد همراه با اولین نشانه‌های منسجم از جنبش معترض ولی آرامی که منجر به امضای فرمان مشروطیت به دست مظفرالدین‌شاه شد، عکاسان استودیویی وارد خیابان شدند و عکاسی از مردم را آغاز نمودند. به عبارت دیگر مشروطیت حلقه انحصار برگرید عکس و تصویرسازی را برای اولین بار شکست و به عکاسی پرتره در ایران عمومیت بخشید.^۵ از آن پس چهره‌های اشخاص گمنام در عکسها به وفور دیده می‌شد، اشخاصی که هرگز در موقعیت عادی استطاعت مالی آن را نداشتند که از خود در استودیویی عکس بگیرند.

عکاسان استودیو تحت تأثیر عوامل جنبش خود را در میان توده مردم یافتند و به عکاسی از آنان پرداختند. البته به علت محدودیتهای تکنیکی امکان عکاسی از سوژه‌های متحرک وجود نداشت و عکسها اکثراً از اشخاص نشسته یا ایستاده (قبل و یا بعد از وقایع) گرفته شده است. در نتیجه عکسها، گو اینکه ماهیت خبرنگاری (Photojournalistic) دارند، ولی در عمل همان عکسهای پرتره می‌باشند.^۶

اولین عکسها نشاندهنده کنجکاوی جمعی است که در مقابل دوربین قرار گرفته‌اند و عمل عکسبرداری از خویش را برای اولین بار تجربه می‌کنند (عکس‌های شماره ۳۰-۸، ۳۱-۸، ۸۵-۸، ۴۵۹۸-۴ و تمام عکسهای سورگین در این مجموعه). این کنجکاوی تنها به علت قرار گرفتن در مقابل دوربین نیست بلکه نشانی از خواست شناخت واقعه‌ای است که در شرف تکوین است. تصاویر ذهنی مردم از خود شکل نگرفته است. جمع‌گرایی پیروی و توده‌ای بودن مطرح است.

عکس معروفی وجود دارد که تاجران نامی آن دوره را بر روی پلکان منزل حاج

۴. اصل این عکس در آرشیو گالری سکلر (Sackler) در موزه اسمیتونین (Smithsonian) در شهر واشنگتن موجود است. عکاس آن آنتوان سورگین می‌باشد.

متأسفانه در زمان چاپ این مقاله دسترسی به آن امکان‌پذیر نبود. برای دیدن نمونه‌ای از این عکسها رجوع شود به: دانا استاین. *سراغاز عکاسی در ایران*. ترجمه ابراهیم هاشمی. انتشارات اسپرک. ۱۳۶۸. عکس ۲۲.

۵. دوربین عکاسی در هر جامعه‌ای که قدم گذاشت شکست انحصار طبقه مرفه بر مقوله تصویرسازی را در پی داشت. در اروپا عکس عملاً «چهره‌ای» به طبقه متوسط داد. محققان تاریخ عکاسی از اصطلاح «دموکراتیزه کردن» عکس The camera democratized portraiture استفاده می‌کنند.

۶. در زمان مشروطیت وزن دوربینها حداقل بیست کیلو بود و بر روی سه‌پایه قرار می‌گرفت. نگاتیو به صورت شیشه‌های حساس به نور در داخل جعبه دوربین قرار می‌گرفت. البته شرکت کداک اولین دوربین دستی خود را در سال ۱۸۸۸م وارد بازار نمود. نگارنده تاکنون شواهدی که دال بر استفاده از چنین دوربینی در عکاسی دوره مشروطیت باشد ندیده است.



[۸-۸۵]

امین‌الضرب (در تهران) نشان می‌دهد که فرمان مشروطه را در دست دارند (عکس شماره ۱-۵۱۳ از همین مجموعه). در این عده تحولی ایجاد شده است. قشر مرفه تاجران که قبلاً به عنوان مشتریان عکاسخانه‌ها مشغول به ثبت هویت فردی خویش بودند، اکنون آن هویت را بسط داده و به صورت گروهی و یا شاید بتوان گفت طبقه‌ای از اجتماع که موفقیتی را در مقابل شاه خود کسب کرده، ظاهر شده‌اند. لازم است یادآوری است کنیم که همین شکل‌گیری تصویر ذهنی خویشان از خود گسترش یافته در میان دیگر نخبگان این جنبش نیز در این مرحله در عکسها مشاهده می‌شود.